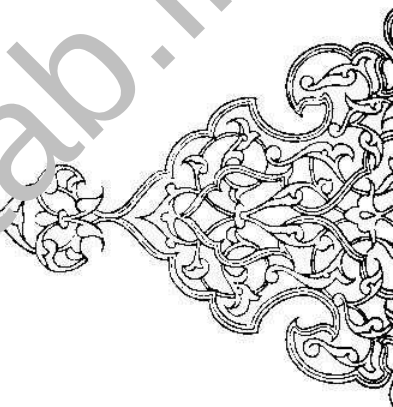


افسانه‌های ایرانی

جلد پنجم

www.ketab.ir



لیتوگرافی: سپید/ چاپ: اسطوره/ صحافی: زئوف
شمارگان: ۵۰۰/ چاپ اول ۱۳۹۵/ قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان
آماده سازی: آتلیه ی هیرمند
طراحی گرافیک و جلد: کارگاه گرافیک مشکی
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۸-۳۰۷-۵
شابک دوم: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۸-۱۷۱-۱
همه ی حقوق برای ناشر محفوظ است.
مراکز فروش:



انتشارات هیرمند: میدان ملت، پلاک ۱۲، خیابان لبافی نژاد،
بین خیابان ۱۲ فروردین و خیابان فخر رازی، پلاک ۲۰۴
تلفن: ۶۶۴۰۹۷۸۷ www.hirmandpublication.com



شهر کتاب بوستان: پونک، مرکز تجاری بوستان، پلاک ۱۲، مرکز
تلفن: ۴۴۴۹۸۳۴۵



فهرست

۱۳	پیش گفتار.....
۱۵	شیرویه و سیمین عذار.....
۵۷	هرمز.....
۷۱	بهرام و بهمن.....
۷۹	پهلوان حمزه.....
۸۵	صمد.....
۹۳	سلیم پهلوان.....
۱۰۵	جوانمرد.....
۱۱۵	بچه‌ی پهلوان.....
۱۲۱	ایلزاد.....
۱۳۵	ایرج دیوافکن.....
۱۴۱	یادگار.....
۱۴۵	رستم جان و آفتاب خان.....
۱۵۵	حسین کرد و باج و خراج مصر.....
۱۶۱	بهادر و زرینه.....
۱۶۷	امیر اصلاں.....
۱۸۷	خداداد.....
۱۹۹	حبیب قهرمان.....
۲۰۳	ریحان خانم.....
۲۱۵	گلخان.....

۲۳۱	یتیم محمد
۲۳۹	شکارچی
۲۵۱	وزیر سیاه
۲۶۷	دیوان بلخ
۲۹۵	جبار
۳۰۱	فلک ناز
۳۰۹	ملک محمد پهلوان
۳۱۵	عباس دس
۳۲۱	سه گای کر
۳۲۵	بچه ی راسانی
۳۳۷	دختر تاجر
۳۴۵	شیر نر و ماده داد
۳۵۱	مریم زناری
۳۵۷	دختر دانا و باهوش
۳۶۱	سگ لعل قلاده
۳۸۱	احمد تاجر
۳۸۷	پسر زیرک و پادشاه هند
۳۹۷	عاقبت دزدزاده دزد شود
۴۰۳	سه برادر
۴۱۵	یک دل و دودل
۴۲۵	اشرفی هایی که از آسمان بارید
۴۲۹	سه پسر سلطان
۴۴۵	رند غریبه
۴۵۵	ملنگ چاقچوربا
۴۶۵	توپوز قلی میرزا
۴۷۵	سه زن مکار
۴۸۵	دله مختار
۴۹۱	زن بهتر کلک می زند یا مرد
۴۹۷	حیله ی زن مکار
۵۰۳	مرد جوجه فروش
۵۰۷	زن مکار و قاضی بد کار
۵۲۱	زن حیله گری که شد پادشاه

۵۲۵	زن چند شوهره
۵۲۹	زن گرفتن حاجی نون نخور
۵۳۵	مکر زنان را این طور می نویسند
۵۳۷	باید کلک را از خودش یاد بگیری
۵۴۱	این چشمه را اول باید بنویسد
۵۴۵	دردانه و مادر شوهرش
۵۴۹	زن زیرک و شوهر بچه نه
۵۵۳	دختری که مسلمان شد
۵۶۳	سیدنساء خانم و شاهزاده
۵۶۹	مردی که ر جمع الواط بیرون آمد
۵۷۳	همه بن سریف
۵۸۱	دختر نجار
۵۸۵	شوهرداری آن در هر سخت نیست
۵۸۹	علی بونه گیر
۵۹۳	ملاتربوق
۵۹۷	سکینه آوردی
۶۰۹	قیزلارخانی
۶۱۷	نوش آفرین و جهان آرام
۶۲۳	دختری که به تنهایی از پس چهل دزد برآمد
۶۲۹	دختر جسور
۶۳۵	درویش و چهل دزد
۶۴۱	یک کچل و چهل دزد

پیش گفتار

ایران در منطقه ابرقراورد که همواره صحنه‌ی کشاکش بوده و ایرانیان نیز همواره در صف اول این درگیری‌ها قرار داشته‌اند. از این رو ذهن این مردمان پر است از داستان‌های دلاوری و این قصه‌ها از زبانی به زبان دیگر جاری بوده است. جنگ‌ها و دلاوری‌ها خمیرمایه‌ی بسیاری از این داستان‌هاست. در میان جنگ پهلوان‌ها با کوشش و کشش و خون خود حماسه می‌آفریدند و مردم این سلحشمندانی را نقل می‌کردند و به دورترین سرزمین‌ها می‌بردند و رنگ و بوی دلخواه خود را به آن می‌دادند. گاه در میانه‌ی شکست‌ها، قهرمانان آرمانی خود را می‌آفریدند و بدین گونه آرزو و دل‌پاشی آن‌ها رنگ داستان‌ی به خود می‌گرفت. قهرمانانی آفریده می‌شد که میل مردم به پیروزی و رباطل را تبلور می‌بخشید. در سرتاسر این داستان‌ها رنگ و بوی ایرانی به چشم می‌آید. حتا اگر داستان در مصر و شام جریان داشته باشد. مردم از داستان پهلوانان در خلق این داستان‌ها بهره‌ی فراوان بردند و خیال دور و دراز خود را در وادی آن به حرکت درآوردند و افسانه‌های پهلوان‌ها را خلق کردند. پهلوانان در میدان نبرد با تیر و شمشیر و نیزه رویاروی دشمن می‌ایستند و با تن و جان خود نبرد می‌کنند. در این میانه، جوانمردی آنان استواری نبرد است. تا آن‌جا که حتا در نبرد با دیو که نماد بدی است، این جوانمردی را به کنار نمی‌گذارند و آن‌جا که دیو خفته است، بر روی او شمشیر نمی‌کشند و او را بیدار می‌کنند و دست به نبرد می‌زنند تا شائبه‌ای در دلاوری آن‌ها نباشد. این خصلت تنها در میان دلاوران ایرانی به چشم می‌آید و پهلوان دشمن از هر ترفندی سود می‌برد تا پیروز شود، ولی سرانجام این جوانمردی است که پیروز از میدان بیرون می‌آید.

آن‌جا که نبرد پهلوانان پایان می‌پذیرد یا در شب که دو هم‌نبرد دست از ستیز می‌کشند، عیاران وارد میدان کارزار می‌شوند. عیاران مردان یا زنانی هستند که پا به میدان جنگ نمی‌گذارند و پهلوان این‌گونه میدان‌ها نیستند، ولی در سیاهی شب و پنهان از چشم دیگران دست به کارهایی می‌زنند که حیرت و اعجاب همه را برمی‌انگیزند. کار عیاران با ترفند پیش می‌رود و هیچ‌کس در برابر آنان امان ندارد و به همه جا رسوخ می‌کنند. از مرد بازاری تا پادشاه، همه با شنیدن نام عیاران بر خود می‌لرزند و سرانجام در برابر آنان تسلیم می‌شوند. عیار خود را به صورت‌های گوناگون درمی‌آورد و در هر گوشه‌ای کار خود را پیش می‌برد. همین شیوه است که باعث می‌شود دشمن او در تمام لحظات و در تمام مکان‌ها سایه‌ی حضور عیار را احساس کند. شهرت عیاران که گاه ظهور اجتماعی داشته‌اند و بارزترین نمایی آن یعقوب لیث صفار بوده و گاه خیال محض است، همواره دست‌مایه‌ی افسانه‌سازان بوده است و مردمان در وجود عیاران آرزوهای برنیامده‌ی خود را می‌دیدند. از این رو در کنار پهلوانان، حضور عیاران نیز گرم‌کننده‌ی میدان نبرد و خمیرمایه‌ی خیال‌ورزی بوده است.

در کنار عیاران، گروه دیگری قرار دارد که از آنان به رند و لوطی تعبیر می‌شود. اینان نیز روشی چون عیاران دارند، ولی شیوه و روش عیاران همراه با جوانمردی و مردمداری بود و خوی و سلوک رندان به فریب و نیرنگ میل دارد. آنان در عرصه‌ی اجتماعی جز به منافع شخصی به چیزی نمی‌اندیشند و برای به دست آوردن آن‌ها ترفند و حقه را برمی‌گزینند. در برابر منافع آنان جان و مال مردم هیچ اهمیتی ندارد و در این راه گاه در خدمت پادشاه ظالم و عوامل آن نیز درمی‌آیند، ولی در جهان افسانه، این رندان سرانجام ناکام می‌مانند و آن‌که گرفتار رندان شده، به گونه‌ای پیروز و شاد از دام‌چال‌های آن‌ها می‌جایز می‌یابد.

افسانه‌های رندان در کلیت خود شباهت بسیاری به افسانه‌های عیاران دارد و از این رو در کنار هم آمده‌اند تا روش کار عیاران و رندان با هم مقایسه شود و خواننده دریابد که چه گونه جوانمردی و نیت نیک عیار و فریب و ترفند رند با هم مقابله می‌کند.

مجلد پنجم افسانه‌های ایرانی دربردارنده‌ی افسانه‌های پهلوانی، عیاری و رندان است و به این صورت ما با جلوه‌ی دیگری از ذهنیت و خصلت ایرانی روبه‌رو خواهیم شد و تحلیل مردان این سرزمین را در لباسی تازه در خواهیم یافت.